

# حجتیه و دولت احمدی نژاد اتومبیل زدوبند با امریکا در اتوبان جمکران- و اشنگتن

در یک توطئه دقیق و سازماندهی شده، جمکران را بر امام رضا و حضرت معصومه برتری بخشیدند و آرامگان آیت الله خمینی را بکلی در سایه بردند تا انقلاب 57 و آرمان های آن را بکلی از اذهان عمومی پاک کنند. امام دیگری را (امام زمان) جانشین امام خمینی کردند و می روند که با این امام به پابوس امریکا بروند. این وظیفه ایست که فعلا برعهده دولت احمدی نژاد است. به هیچ وجه نباید تسلیم جنجال ها و ادعاها و ظاهرسازی ها شد. در بطن ترویج خرافات و کفش پاره و کاپشن احمدی نژاد و شعار مبارزه با اختلاس و دزدی این توطئه خوابیده است و برای پیش برد آن هیچ چاره ای جز بستن تمام روزنه های خبری و اطلاعاتی مردم و جلوگیری از هوشیاری و آگاهی آن ها از توطئه ها نیست. حجتیه که تا مغز استخوان نیروهای نظامی و حکومتی نفوذ کرده، از نظر ما، در ارتباط مستقیم با عوامل انگلیسی این طرح را به اجرا گذاشته است. البته، آنها این اندیشه و طرح کودکانه را هم در ذهن دارند که اگر اسرائیل را جلو بیاورند، با توجه به کینه تاریخی و آنتی پاتی که کشورهای عربی خاورمیانه نسبت به اسرائیل دارند، یکباره یک موج همدردی و لایذ عملیات انتحاری در حمایت از جمهوری اسلامی در منطقه راه خواهد افتاد و امریکا و اسرائیل از ترس این مسئله هم ممکن است به ایران حمله نکنند. در واقع بجای آنکه روی همبستگی و وحدت ملی خود مردم ایران حساب کنند، رفته اند روی عرب ها حساب باز کرده اند، که حمله صدام به ایران نشان داد روی این همدردی فرضی و تئوری جدید احمدی نژاد و رهبر و حجتیه چقدر می توان حساب باز کرد. این که آنها موفق خواهند شد یا خیر، به خیلی عوامل بستگی دارد. از جمله بحران عمومی داخل کشور و در زمینه خارجی اطلاع و آگاهی دقیق امریکا از تمام زیربوم های حکومتی در ایران و ضعف عمیق پایگاه اجتماعی آن. به همین دلیل امریکا بسیار بیش از آنچه حجتیه تصور کرده و احمدی نژاد در پی تحقق آنست می خواهد. خطر از همینجا بر می خیزد. این که حجتیه به قیمت کدام خیانت ملی و تاریخی این پابوس را تا قبول بندگی اش توسط امریکا پیش خواهد رفت و چقدر خون خواهد ریخت و به چه میزان منافع و فرصت های ملی ایران را نابود خواهد کرد.

در روزهای اخیر، بارها و از طریق پیام گیر، از ما خواسته بودند تا متن کتبی مصاحبه سردبیر راه توده درباره دلائل اسرائیل ستیزی احمدی نژاد و شتاب گیری ترویج خرافات در ایران را منتشر کنیم. این خواست بویژه از داخل کشور مکرر در مکرر از ما خواسته شده بود. ما از طریق پیام گیر به اطلاع برخی از طرفداران انتشار کتبی این مصاحبه بودند رساندیم که این کار با توجه به وقتی که می گیرد ممکن نیست، مگر خودتان همت کنید و متن را پیاده کنید و برای ما بفرستید تا پس از ویرایش لازم منتشر کنیم. خوشبختانه این توصیه و پیشنهاد ما را برخی علاقمندان راه توده پذیرفتند و دو متن پیاده شده آن مصاحبه را برای ما از دو کشور فرستادند. با استفاده از هر دو متن و تطبیق آنها با هم و با اصل مصاحبه، متن زیر را تنظیم کرده ایم که می خوانید:

جنجال هائی که احمدی نژاد در ارتباط با اسرائیل می کند، کم کم وارد مرحله ای شده که حالا دیگر باید بصورت جدی به آن فکر کرد. یعنی اینکه تا حالا می شد فکر کرد که او برای يك بار، دو بار، اینجا و آنجا مثلا کنترل نشده یک حرف هائی زده و یا نرسیده اند کنترلش

کنند. می شد فکر کرد که او برای خودش يك حرف هایی در سازمان ملل، در همایش بسیج دانش آموزی زده و می شود اغماض کرد و گفت که تازه کار است. يك چیزهایی گفته، که مهم نیست. اما حالا وقتی این موضع گیری مرتب تکرار می شود، این دیگر يك خط سیاسی است و هیچ ارتباط مستقیمی هم به بودن و یا نبودن امثال پور محمدی و اژه ای در کابینه ندارد. این يك خط است که از بیرون کابینه دیکته می شود و که فردی بنام احمدی نژاد را فرستاده اند جلو که آنها را بگوید. فعلا او این خط را پیش می برد و لحظه ای هم که لازم باشد، چون تنها گوینده این صحبت ها و تابلوی این ماجراست اگر لازم باشد- بهر دلیلی و بهانه ای- می توانند او را حذف کنند. بعد هم تبلیغ می کنند که او سخنگوی این ماجرا باصطلاح تئوریسین این ماجرا بود و کنار گذاشته شد و ماجرا تمام شد. به این ترتیب می توان باب سیاست دیگری را باز کرد.

در نتیجه امروز باید فکر کنیم به چه دلیل این حرف ها تکرار می شود، آیا در جمهوری اسلامی مثلا کسانی نیستند که بعد از پنج بار تکرار این موضع گیری گوش این بابا را بگیرند و بگویند از این صحبت ها نکن؛ این صحبت ها هزینه دارد، این هزینه ها را نمی توانیم بپردازیم؟ می بینیم که چنین چیزی اتفاق نمی افتد. درحالیکه می دانیم در این عرصه تمرکز به اندازه کافی در جمهوری اسلامی هست که اگر بخواهند، بتوانند او را کنترل کنند.

شما دیدید که درارتباط با مصاحبه تلویزیونی آقای خاتمی با خانم امان پور (CNN) آنها توانستند در مدت 3 تا 4 روز آنرا دگرگون کنند. پس، چنین قدرتی وجود دارد. پس بحث اینست که آن قدرت فعلا موافق پیش رفتن این سیاست است و آدم کم عقلی که را با این شکل و شمایلی که برای خودش درست کرده، با کاپشن، ریش آنچنانی، کفش پاره و از این نوع ظاهر سازی ها که می تواند توده های مردم را فریب بدهد و جمع کند انداخته اند جلو. روغن داغ این ظاهر سازی و اسرائیل ستیزی هم همان ترویج خرافات، دیدن هاله نور در سازمان ملل و جلو انداختن امام زمان است که شاهدیم. حالا، به نظر من 2 هدف پشت این ماجراست که فکر می کنم باید بطور جدی به آن فکر کرد.

یکی این است که این نوع سیاست ها معمولا سیاست هائی است که انجمن حجتیه در گذشته داشته است. یعنی از تمام آن جنبه های مبارزاتی که در سالهای بعد از 28 مرداد وجود داشت، این انجمن فقط چسبید به بها نیت. نه با ساواک مبارزه داشت، نه با امریکا، نه با شاه و دربار. خوب کسانی از دور و بری های شاه و کابینه هویدا و کابینه های قبل از هویدا متهم به گرایش و یا عضویت در فرقه بهائیت هم بودند، اما مقابله کل رژیم مطرح بود نه با یک فرقه مذهبی در درون دستگاه. آنها این سیل و هدف انحرافی را کرده بودند هدف اصلی مبارزه و توجه مردم را از آن هدف بزرگتر و اصلی تر منحرف می کردند. یعنی درست همان چیزی که ساواک و دربار شاهنشاهی می خواستند. این شیوه انجمن حجتیه است. شما اگر دقت کنید، درست همین شیوه عمل را اخوان المسلمین هم دارد. یعنی همان کانون مرکزی که انگلستان در مصر برپا کرد و ریشه هایش هم بر می گردد به تشکل های انگلیسی در دولت عثمانی.

امروز هم وقتی که شما دقت کنید، در هر پنج صحبتی که احمدی نژاد در سازمان ملل، در همایش بسیج دانش آموزی، در عربستان در مصاحبه اش، در گزارش سفر به عربستان به کابینه اش و یا صحبتی که در زاهدان کرده، شما امریکا را در این صحبت ها نمی بینید. اگر دقت کرده باشید تمام مدت فقط اسرائیل مطرح است، درحالیکه اسرائیل بدون امریکا یک روز هم نمی تواند در خاورمیانه به موجودیت و نقش کنونی اش ادامه بدهد. دقیقا به نظر من زمینه رفع کدورت ها با امریکا و باب شدن مذاکره با امریکا از همینجا بر می خیزد. یعنی با این شعار و هدف انحرافی دارند به امریکا میگویند که ما با شما مسئله ای نداریم، مسئله ما مسئله اسرائیل است؛ این مسئله جهان اسلام هم است. اسرائیل می خواهد به ما حمله کند و ما هم از ترس او است که بدنبال سلاح اتمی- اگر هم باشیم- هستیم. در واقع از این طریق دارند

زمینه های يك مذاکرات سیاسی با امریکا را فراهم می کنند. این همان حیلۀ ای است که از ابتدای انقلاب و با پیش کشیدن شوروی آن موقع، بزرگ نمائی در باره خطر مارکسیسم و توده ایها و خطر الحاد و ملحدین بدنبالش بودند. حتی می گفتند که امریکا چون اهل کتاب است (اشاره به انجیل و مسیحیت) ما با آن می توانیم کنار بیائیم اما با شوروی و دنیای الحاد نه. در همان هفته های اول روی کار آمدن احمدی نژاد و جنجالی که بر سر حضور یا عدم حضور او در جمع نگهبان های سفارت امریکا و بحث های بروچۀ های انجمن اسلامی که می خواستند سفارت را بگیرند هم از زبان جاریان بارها تکرار شد که در آن بحث ها، همین آقای احمدی نژاد می گفت بجای سفارت امریکا، باید برویم سفارت شوروی را بگیریم. یعنی دقیقا همان فکر و حقۀ همیشگی انجمن حجتیه برای بیرون کشیدن اهداف اصلی از زیر ضربه و جانشین کردن هدف های انحرافی بجای آنها. در عرصه سیاسی اتحاد شوروی و مارکسیسم، در عرصه اجتماعی پوشش اسلامی و حجاب و در عرصه اقتصادی هم مبارزه با اختلاس و دزدی بجای مبارزه با نظام سرمایه داری، که اگر اینگونه بود همین آقای احمدی نژاد بجای دزد بگیری می رفت اسکلۀ های قاچاق را که زیر نظر سپاه پاسداران است می گرفت، تجارت خارجی را کنترل می کرد و طرح تولید ملی را به مجلس می برد. شما می بینید که هیچکدام از اینها مطرح نیست، چون او برای چنین برنامه هائی بر سر کار نیآمده و خودش هم اهل این حرف ها نیست. نه تنها اهل این حرف ها نیست، بلکه جزئی از این ماجراست. شما دیدید که فقط در یک قلم می خواست سردار میلیاردر "محصولی" را وزیر نفت کند و از همین حالا فاش شده که در درون شهرداری که او ریاستش را داشته چقدر حیف و میل شده و فعلا برخی از اعضای کابینه اش هم با انواع اتهامات اختلاس و رشوه روبرو هستند. این جریان طرفدار فضای بسته و اختناق و سانسور هم هست برای جلوگیری از همین افشاگری ها و هوشیار شدن مردم.

حالا بر گردیم به داخل کشور. اخبار و رویدادها را مرور کنیم. شما می بینید که در هفته های گذشته تمام اذهان نیرو های پائینی که دور اینها جمع هستند، مثل بسیج، بسیج دانشجویی، طلاب بسیجی و... بتدریج در میان حاشیه نشین های شهرها و حتی در شعارهای تظاهرات نماز جمعه ها و پس از پایان نماز جمعه ها، یواش یواش امریکا دیگر مطرح نیست و اسرائیل را انداخته اند جلو. اتفاقا می بینید که اسرائیل هم از آن طرف نفت روی آتش می ریزد. نامه به کشورها می نویسد که خواهان اخراج ایران از سازمان ملل می شود. درباره حمله نظامی به ایران پیشنهاد می دهد. درحالیکه همه می دانند که اسرائیل بدون حمایت و حضور مستقیم امریکا هیچ غلطی در خاورمیانه نمی تواند بکند، چه رسد به حمله نظامی به ایران. مثل جنگ شش روزه و یا جنگ در صحرای سینا که ارتش مصر می رفت تا برتری خودش بر ارتش اسرائیل را نشان بدهد که ناگهان ناوگان های امریکا به سود اسرائیل و با هشدار به شوروی وارد عمل شدند.

در نتیجه ما باید به این فکر بکنیم که سیاست کلان تر و بزرگ تری را پشت موضع گیری ها و جنجال آفرینی های احمدی نژاد دارند پیش می برند. حالا این که این حقۀ بازی جدید تا کجا بُرد دارد و در نهایت می تواند به نتیجه برسد یا نه و ضرورت ادامه اش هست یا خیر؟ و زمینه اجرائی اش چقدر هست و یا نیست، این بستگی به خیلی از تحولات و رویدادهای داخلی و خارجی دارد. امروز دیگر نمی شود فکر کرد که پنج بار این موضع گیری های او که بعد هم به نوعی توسط خود رهبر، فرماندهان سپاه، هاشمی و حتی خاتمی در بخش هائی تأیید شده، بخش از یک سیاست تدوین شده در راس حاکمیت با اهداف مشخص سیاسی نیست! بنظر ما در متن این سیاست منحرف کردن توجه متمرکز شده 27 ساله مردم روی امریکا و هموار کردن جاده مذاکرات مستقیم با امریکا است. آنها از این طریق می خواهند به امریکا پیام بفرستند و بگویند که داریم زمینه پذیرش داخلی را فراهم می کنیم و اسرائیل را جانشین شما می کنیم تا بتوانیم بر سر خصومت با اسرائیل با شما مذاکره را شروع کنیم. البته، آنها این

اندیشه و طرح کودخانه را هم در ذهن دارند که اگر اسرائیل را جلو بیاندازند، با توجه به کینه تاریخی و آنتی پاتی که کشورهای عربی خاورمیانه نسبت به اسرائیل دارند، یکبارہ یک موج همدردی و لایذ عملیات انتحاری در حمایت از جمهوری اسلامی در منطقه راه خواهد افتاد و امریکا و اسرائیل از ترس این مسئله هم ممکن است به ایران حمله نکنند. در واقع بجای آنکه روی همبستگی و وحدت ملی خود مردم ایران حساب کنند، رفته اند روی عرب ها حساب باز کرده اند، که حمله صدام به ایران نشان داد روی این همدردی فرضی و **تئوری جدید احمدی نژاد و رهبر و حجتیه چقدر می توان حساب باز کرد.**

من این استنباط را دارم و حداقل می گویم روی این باید فکر کرد.  
خدابخشیان: آقای الهی اتفاقا من در یک تفسیری همین اشاره را کردم که اینها از طریق تل اوپو می خواهند به واشنگتن بیایند و حتی اخلاقیات و معنویات اروپایی ها را هم زیر سؤال برده اند.  
الهی: دقیقا.

خدابخشیان: به امریکا کاری ندارند.  
الهی: دقیقا، اتفاقا تیره کردن روابط با اروپا نیز به نوعی تبری جستن از سیاست های دولت آقای خاتمی در نزدیکی به اروپا و رفتن به سوی امریکاست. یعنی عملا گشودن و باز کردن دروازه های امریکا.

خدابخشیان: شبکه لاریجانی هم فعال است.  
الهی: بسیار هم فعال است. البته اختلافات درونی شان را هم نباید فراموش کرد. یعنی رقابت ها و مسابقه هرکه زودتر دستش را به دیوار امریکا زند؛ که ممکن است گاهی با تخریب تلاش یک گروه توسط گروه دیگر هم همراه شود و ما یکبارہ نباید فریب بخوریم و مثلا متعجب شویم که بر سر فلان بزنگاه چرا لاریجانی و یا فلان سردار سپاه و یا احمدی نژاد و یا رهبر و یا هاشمی ضد امریکائی شدند. این ضد امریکائی شدن های نوبتی می تواند بخشی از رقابت و کارشکنی در کار یکدیگر باشد تا زمانی که سهم شیر و روباہ درحاکمیت مشخص و تثبیت شود.

ضمنا مثل بهره گیری از شعار مرگ بر امریکا و یا مرگ بر انگلیس در مقاطع مشخص برای بهره گیری سیاسی، موضع گیری های احمدی نژاد درباره اسرائیل هم گاه مقطعی و برای انحراف افکار عمومی از تمرکز روی یک حادثه است. مثلا در اوج ماجرای سقوط هواپیمای حامل خبرنگاران، او یکبارہ دیگر فیل نابودی اسرائیل را هوا کرد.  
خدابخشیان: شما اشاره به دو خط و دو فکر کردید.

الهی: بله. یکی همین زمینه سازی برای عقب بردن امریکا و پیش کشیدن اسرائیل برای فراهم ساختن زدوبند با امریکاست که گفتم.

دومین پدیده ای که ما شاهد آن هستیم گسترش خرافات است که برای نخستین بار و به شکل حیرت آوری دولت یک کشور راسا خود مروج آن شده است. نه فقط احمدی نژاد و روحانیون حجتیه، بلکه اعضای کابینه، نمایندگان مجلس و ...

این بال دوم آن کلاغ سیاهی است که به پرواز در آورده اند. یعنی **خرافات**. دولت و شخص احمدی نژاد به نوعی مروج و تقویت کننده و تأیید کننده این وضع خرافاتی در جامعه شده اند. در این حد که بودجه برای آن تصویب می کنند. مبلغ عظیمی رسما برای آن در نظر می گیرند. باید پیدا کرد که برای چه این کار را می کنند؟  
مسئله را اینگونه ببینم:

امروز فرمان از دست روحانیت در رفته است. اگر غیر از این بود باید در انتخابات اخیر ریاست جمهوری و بموجب بیانیه های روحانیون قم، حوزه علمیه قم، روحانیت مبارز و حتی آقای خاتمی که وجهه اش را گذاشت پشت جبهه مشارکت، مردم به کسان مورد توجه این روحانیت رای می دادند. شما دیدید که در انتخابات حرف روحانیت تأثیری نداشت و حتی

تلویحا خودشان نیز فهمیدند و در عرض یک هفته يك غير آخوند را با شعار تقسیم پول نفت بین مردم انداختند جلو. در نتیجه، روحانیت نفوذ سیاسی اش را در جامعه از دست داده است. اما سقوط اعتبار روحانیت به معنای سقوط نفوذ مذهب در میان مردم نیست و اتفاقا عقب مانده ترین بخش های این نفوذ گسترش یافته است. یعنی خرافات مذهبی. راست ترین بخش حکومت و روحانیون راستگرا این را فهمیده اند و به همین دلیل سعی می کنند با گسترش خرافات مذهبی بخشی از آن اعتبار سقوط کرده را جبران کنند. یعنی مذهب را بکشند به سمت خرافات و از طریق خرافات و اوهام مذهبی نیروهای مذهبی را دو باره بسیج کنند. چاه جمکران با همین هدف از یک چاه تبدیل شده به دو چاه، از یک نمازخانه و مسجد محقر وسط راه تهران- قم، تبدیل شده به یک بارگاه و کعبه جدید و حتی اعتبارش از امام رضا و حضرت معصومه هم بیشتر شده است. در حقیقت همان راستگرا ترین روحانیون و یا دقیق تر بگویم **حجتیه** سرمایه ای را که از ابتدای انقلاب روی جمکران بعنوان جانشین همه امام زاده ها و امام هشتم و حضرت معصومه گذاشته بود، حالا بهره اش را می گیرد. شما مقایسه کنید شمار زیارت کنندگان جمکران را با کسانی که می روند سر مقبره آیت الله خمینی تا بدانید آنها چقدر دقیق امام دیگری را جانشین خمینی کردند و یک رهبر جدید برای انقلاب جدیدی که ضد انقلاب 47 است و خودشان سکان آن را در اختیار دارند درست کرده اند.

آنها صریحا یا با اشاره می گویند و در آینده خیلی رُک تر خواهند گفت که روحانیت 27 سال حاکم را مردم نمی خواهند. بسیار خوب. اما روحانیون دیگری هستند که در حاکمیت نبوده اند و يك آقای بزرگ تری هم هست که می آید. این آقای بزرگ تر که آقای خمینی هم پیش آن فردی به حساب نخواهد آمد و واقعا امام است نه آن که با انقلاب 57 امام شده باشد، اما زمان است، که بزودی قرار است ظهور کند، جاده اتوبان آنرا هم کشیده اند که یک باند ویژه آن می رود تا بالای سر چاه جمکران. شما خواهید دید که بزودی خلوت ترین مقبره و زیارتگاه توده مردم، مقبره آیت الله خمینی خواهد بود و آنقدر امام زمان امام زمان خواهند کرد که دیگر کسی جرأت نکند بگوید امام خمینی. آنها، در این مرحله و با این خرافات امیدوارند که یکبار دیگر مذهب، مردم را تهیج کرده و به میدان حمایت از آنها بیاورد. اما این بار نه زیر پرچم مستقیم روحانیت، بلکه زیر پرچم اوهام و خرافات مذهبی که سرخ آن از پشت در دست همین روحانیون است. این بار، این روحانیت خودش را جلو نمی اندازد، بلکه از طریق خرافات و اوهام رهبری جامعه را بدست می گیرد و امثال احمدی نژادها را بعنوان کارگزاران خود می خواهد جلو بیاندازد. سؤال ما، از کسانی که با این تحلیل ما موافق نیستند بسیار سؤال ساده ایست. می پرسیم که کنترل این خرافات مذهبی هم مثل کنترل موضع گیری های احمدی نژاد خیلی ساده و آسان است برای حاکمیت. چرا نمی کنند؟ بنظر ما برای اینکه آن روحانیت مبتکر ترویج خرافات و طرفدار موضع گیری های سیاسی احمدی نژاد که به آن اشاره کردم، حالا دیگر تا مغز استخوان حاکمیت هم نفوذ کرده و سکان را عملا در پشت صحنه در اختیار دارند. بنابراین، **ترویج خرافات هم باید هدایت شده باشد.**

حرفی هائی زده می شود و این که مثلا نباید اوهام مذهبی باشد. اما اینها تعارفات است. خرافات با همان اهدافی که گفتیم بطور سازماندهی شده و سیستماتیک از زیر پیش برده می شود.

روحانیتی که پشت این ماجراست آن روحانیت شناخته شده و یا بخش عمده آن روحانیت شناخته شده 27 سال گذشته نیست. روشنفکران دینی نیستند، اینها همان ارتجاع دینی - مذهبی- و روحانیون دست پرورده حجتیه اند. عمدتا سازماندهی این کار دست آنهاست و رهبری این ماجرا نیز در اختیار خودشان است. این، آن نکته دومی است که خدمت شما گفتم. خدا بخشیمان: خطرش؟ آیا برخوردی پیش نمی آید؟

الهی: ما باید ببینیم چه خواهد شد؟ امریکا چه خواهد کرد؟ اینها چه امتیازی خواهند داد؟ چگونه می خواهند بمانند؟ یعنی چون این يك بازی سیاسی است - چه در عرصه بین

المللی و چه در عرصه داخلی- خواه و نا خواه چفت و بست محکمی ندارد و يك بازی سیاسی و يك تاکتیک است برای معامله با امریکا، فریب مردم در داخل. بحران عمومی در داخل کشور عمیق تر از آنست که فکرش را کرده اند. زور خارجی هم بیشتر از آنست که با این امتیازها راضی شود.

ما فکر می کنیم این بازی ها و در واقع ماجراجویی ها بُردی نخواهد داشت، فقط برای یک دوره دیگر هم فرصت ها و ثروت ملی بر باد می رود و ممکن است تلفاتی هم به همراه آورد. شما می بینید در زمینه اقتصادی در این ماه ها نه تنها هیچ تحولی ایجاد نشده بلکه وضع بسیار بسیار بد تر هم شده و تولید که خوابیده بود، حالا تجارت هم با رکود جدی روبرو شده است. یعنی این دولت هیچ برنامه ای برای بهبود وضع اقتصادی کشور ندارد. آنچه برای آنها در این مرحله اهمیت درجه اول دارد ابتدا دفع خطر امریکاست و برای دفع این خطر هم به همان تاکتیکی متوسل شده اند که گفتیم. یعنی مذاکره با امریکا با کشیدن اسرائیل به جلو که در واقع پل عبور خواهد شد برای رسیدن به امریکا. باید دید در عراق چه خواهد شد؟ در افغانستان چه امتیازی خواهند داد؟ بنظر ما، امریکا آگاهی کاملی نسبت به اوضاع ایران دارد و می داند که تازه دروازه های ایران به رویش باز شده است. میدانند که خیلی بیش از آنچه دولت احمدی نژاد و شورای امنیت ملی لاریجانی و بیت رهبری پیش کش کرده اند می تواند بگیرد و اگر ندهند و میدان را برای کارگزاران مستقیم امریکا خالی نکنند بیش از اینها باید بتوان بدهند. امریکا می داند که پایگاه داخلی حکومت هرگز باندازه امروز ضعیف نبوده است. به این صحنه سازی های مانور بسیج و مانور جنگی کاری ندارند. اینها بچه بازی است. شما نگاه کنید به همین ماجرای سقوط هواپیمای خبرنگاران در شهرک توحید. هنوز خطر انفجار هواپیما در روی زمین وجود داشته که همین بسیجی ها و عده ای که می گویند اوباش بوده اند ریخته اند داخل ساختمانی که هواپیما با آن برخورد کرده و دست به غارت مردم زده اند. می گویند اوباش و سارقان، اما در آن فضای امنیتی که بلافاصله برقرار شده کدام اوباش کارت عبور داشته اند جز بسیج؟

حالا شما تصور کنید یک بمباران وسیع در تهران و غارت و چپاول پس از آن را. این اوضاع با اوضاع زمان حمله عراق به ایران یکسان است؟

بنظر ما هم حاکمیت این را می داند و به همین دلیل علیرغم داد و فریادی که می کند در پی زدوبند و معامله با امریکاست و هم امریکا می داند که این نوع مانورها و رجز خوانی های رهبر و فرماندهان بسیج و سپاه پیشیزی ارزش و پشتوانه ندارد. امکانات نظامی را یک روزه نابود می کنند و حمایت مردمی از حاکمیت و جنگ هم همین است که در غارت شهرک توحید دیدیم.

به این وضع اضافه کنید چند دستگی در داخل خودشان را. این چند دستگی را نه برای روزهای پس از حمله نظامی به ایران، بلکه در همین مسابقه ای که الان برای درو کردن بذر خرافاتی که پاشیده شده ببینید. به صف آرائی ها برای مجلس خبرگان نگاهی بیاندازید. پاشندگان بذر خرافات مذهبی و اسرائیل ستیزی بجای امریکا ستیزی جلو افتاده اند تا این مجلس را هم ببرند و آنها که تازه از خواب بیدار شده اند، در درجه اول همانهایی هستند که از ترس اصلاحات میدان را برای همین دارو دسته خالی کردند و حالا خودشان در پی چاره ای برای حفظ خویش اند!